



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: قبله

بجثمان در موضوع قبله درباره محاذات بود، آنچه که مسلم است این است که شخص مصلی محاذی خانه کعبه باشد، صاحب عروه فرمود: «ولا يعتبر اتصال الخط من موقف كل مصل بها (کعبه)، بل المحاذاة العرفية كافية»^۱ که معلوم می شود بحث در اینجا زیاد است، آقای بروجردی بر خلاف صاحب عروه فرمودند چنین اتصالی باید وجود داشته باشد و ایشان فرموده اجسام نسبت به ما سه حالت دارند؛ مسطح (صاف) و محدب (دارای برجستگی) و مقعر (دارای فرو رفتگی) حالا اگر خط از جسم مسطح خارج شود مستقیماً می رسد به جایی که مورد نظر ماست و در این صورت خطوط مختلف با هم متوازی هستند ولی اگر خط از جسم محدب خارج شود خطوطی که خارج می شوند و پیش می روند متوازی نیستند بلکه هرچه بیشتر پیش بروند از هم دور تر می شوند، ایشان می فرماید سر انسان دایره ای شکل و محدب است و خطوطی که از آن خارج می شوند و تکرر پیدا می کنند با هم متوازی نیستند لذا وقتی به سمت قبله بایستیم بالاخره یکی از خطوط به کعبه می خورد و همین استقبال کعبه و محاذات می باشد و اما به نظر بنده نیز لازم نیست محاذات را از جهت اتصال خطوط حساب کنیم بلکه عرفاً اینطور است که هر جسمی هر مقدار که دورتر بشود جهت محاذاتش

وسعت پیدا می کند و این یک حقیقتی است که مثلاً در مورد خورشید و ماه نیز وجود دارد یعنی چون از ما دور هستند در مقابل ما هستند و به راحتی می توانیم آنها را ببینیم و محاذات به این معنا را حضرات آیات حائری و خوئی و امام و فقیه همدانی اعلی الله مقامهم همگی قبول دارند و همچنین باید توجه داشته باشیم که خود کعبه قبله می باشد نه جهت آن و جهت کعبه طریقتی دارد نه موضوعیت یعنی اینطور نیست که برای افراد نزدیک خود کعبه قبله باشد و برای افراد دور جهت آن قبله باشد.

برای روشن شدن مطلب کلام برخی از فقهاء را نقل می کنیم؛ آیت الله حائری در کتاب الصلاة این طور فرموده که مقتضای قاعده این است که ما باید علم به کعبه به عنوان قبله پیدا کنیم و آن را استقبال کنیم چه بعید باشیم و چه قریب ولی معنای استقبال این نیست که مصلی بعید طوری بایستد که خطی از موقف صلاتش خارج شود و به خانه کعبه بخورد بلکه استقبال یک امر عرفی است یعنی عرفاً باید بگویند که این مصلی محاذی خانه کعبه ایستاده و کعبه را استقبال کرده است دقیقاً مثل زمانی که ما در مقابل اجسام بعیده قرار می گیریم و البته آن اخباری که می گفتند مابین المشرق والمغرب قبله است صحیح نیست بلکه مراد این است که قبله مابین مشرق و مغرب واقع شده نه اینکه قبله به این وسعت می باشد و این اخبار در باب اول و دوم از ابواب قبله نقل شده بودند و کسی به این وسعت در مورد قبله مانند این اخبار قائل نشده و به آنها عمل نکرده، ایشان در ادامه می فرماید اینکه بعضی گفته اند برای قریب کعبه قبله است و برای بعید

^۱ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۴، ط جماعة المدرسین.

که در مسجد قبا که در نزدیکی آنجا بود رسید و به آنها گفته شد که قبله تغییر کرده و همگی در بین نماز به سمت کعبه برگشتند و نماز را ادامه دادند و حضرت بر عمل اینها صحه گذاشت و از همین جا معلوم می شود که آن دقت‌های عقلی و محاسبات دقیق برای تشخیص جهت قبله لازم نیست.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهرین

جهت کعبه قبله است صحیح نیست بلکه جهت طریق است و موضوعیت ندارد.

محقق اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان می فرماید تدقیق در امر قبله لازم نیست بلکه قبله اینطور است که سید عبد خودش را امر کند به استقبال شهری از شهرهای دور دست و وقتی چنین امری کرده لا ریب که اگر آن عبد توجه کند به جهت آن شهر یعنی استقبال کرده و دیگر لازم نیست آن چیزهایی که علماء هیئت می دانند این عبد بداند زیرا این تکلیف برای عموم مردم می باشد نه برای خواص از اهل علم هیئت که بخواهند با دقت های عقلی و محاسبات دقیق جهت قبله را حساب کنند و ائمه علیهم السلام نیز فرمودند جُدی را روی پیشانی خودت قرار بده یا پشت گوشت قرار بده یا پشت سرت قرار بده و از همین جا معلوم می شود که دقت‌های عقلی که در علم هیئت وجود دارد برای عموم مردم لازم نیست، ایشان می فرماید پیغمبر صلی الله علیه و آله ۱۳ سال در مکه به طرف بیت المقدس نماز می خواندند و وقتی به مدینه آمدند نیز تا ۱۶ ماه به طرف بیت المقدس نماز می خواندند، یهودی ها می گفتند شما نیز از ما پیروی می کنید چون ما نیز به سمت بیت المقدس نماز می خوانیم، پیغمبر از این جهت دوست داشت تغییری در قبله بوجود بیاید که بعد آیه ۱۴۴ از سوره بقره نازل شد و در حالی که حضرت در مسجدی نماز ظهر می خواند در وسط نماز در حالی که دو رکعت خوانده بود جبرائیل آمد و حضرت را در همان حال از بیت المقدس به طرف کعبه برگرداند و حضرت دو رکعت را به طرف بیت المقدس و دو رکعت دیگر را به طرف کعبه خواند و از همانجا آن مسجد را ذو القبلتین نامیدند، بعد از این قضیه خبر به عده ای